

٥) الرجعة تكون في السماء الأولى: ٥- رجعت در آسمان اول است

ربما يظن من يجهل أنّ السماء الأولى سماء جسمانية، أو أنها السماء الزرقاء المحيطة بنا والتي نشاهدها بأعيننا، كما اعتقد بذلك الكثير من المفسرين شيعة وسنة.

چه بسا کسی که علمی ندارد گمان کند که منظور از آسمان، آسمان جسمانی است؛ یعنی همان آسمان آبی که ما را احاطه کرده است و ما آن را با چشم می بینیم؛ آن گونه که بسیاری از مفسران شیعه و سنی به آن معتقد شده اند.

ولكن الحق إنها ليست كذلك، فهي سماء مثالية ولا ترى بالعين.
اما حقيقت این چنین نیست؛ این آسمان [آسمان اول]، آسمانی مثالی است که با چشم دیده نمی شود.

يقول السيد أحمد الحسن (ع) في بيانها في كتاب (مع العبد الصالح):
سید احمد الحسن (ع) در بیان آن در کتاب «همگام با بنده صالح» می فرماید:

[السماء الأولى لا ترى بالعين وفقك الله، السماء الدنيا تنقسم إلى سماء أولى وسماء جسمانية، في السماء الأولى أنفس الناس، وفي السماء الجسمانية يوجد جسم الإنسان المادي الذي يرى بالعين، هذا أمر بينته في الكتب سابقاً (101)]،
وأيضاً بينته كثيراً للأنصار.

خداوند شما را توفیق دهد؛ آسمان اول با چشم دیده نمی شود. آسمان دنیا (آسمان نزدیک) به آسمان اول و آسمان جسمانی تقسیم می شود. در آسمان اول، نفس های انسان ها قرار دارد و در آسمان جسمانی، بدن مادی انسان که با چشم

دیده می‌شود، مستقر است. این موضوع را قبلاً در برخی کتاب‌هایم شرح داده‌ام. (۱۰۲) در ضمن، آن را برای بسیاری از انصار نیز تبیین نموده‌ام.

السماء الجسمانية هي هذه المجرات والكواكب والشموس التي ترى، وهي أيضاً تسمى الأرض، أي إن السماء الجسمانية بأجمعها تسمى الأرض في بعض الأحيان].

آسمان جسمانی، همین کهکشان‌ها و سیارات و خورشیدهایی است که دیده می‌شود. به این آسمان، «زمین» هم گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر آسمان جسمانی با هرچه که در آن است، گاهی اوقات «زمین» نام می‌گیرد.

وهي عالم آخر لا علاقة فيها بالزمان والمكان، يقول (ع):
این آسمان [آسمان اول]، عالم دیگری است که با زمان و مکان ارتباطی ندارد.
ایشان (ع) می‌فرماید:

[.. فهي لا علاقة لها أصلاً بالجهات، ليس فيها مكان أو زمان، ولا علاقة لها بالمكان أو الزمان].
... آن آسمان اصلاً ارتباطی با جهات ندارد و در آن، مکان یا زمان وجود ندارد و هیچ ارتباطی با مکان و زمان ندارد.

بل أنّ الألفاظ التي نستعملها في عالمنا هذا لا تعبر عنها بدقة، لأنها عالم آخر،
يقول:

حتی واژه‌هایی که ما در این عالم مورد استفاده قرار می‌دهیم، نمی‌تواند تعبیر دقیقی از آن را ارائه دهد، زیرا آن، عالمی دیگر است. ایشان (ع) می‌فرمایند:

[المشكلة أنها من عالم آخر فلا يمكن أن تعبر عنها بدقة تامة بهذه الألفاظ التي هي في حقيقتها من هذا العالم وتعبر عن هذا العالم، حيث إنّ ذاك العالم لا

تعبر الألفاظ عنه تماماً مهما كانت؛ لأنها غير معدة للتعبير عنه، فهي ليست منه بل غريبة عنه [103].

مشکل این است که این قضیه مربوط به عالم دیگری است و لذا برای توصیف کاملاً دقیق آن نمی‌توان از الفاظ و عباراتی که در حقیقت از این عالم است و برای توصیف این عالم به کار می‌رود، استفاده کرد... زیرا واژه‌ها و کلمات هرچه که باشند از بیان کمّ و کیف دقیق آن عالم ناتوان‌اند؛ چراکه واژه‌ها، توانایی و قابلیت تعبیر آن را ندارند؛ زیرا که این واژه‌ها از آن عالم نیستند و با آن بیگانه‌اند. [104]

وأيضاً: أوضح السيد أحمد الحسن (ع) السماء الأولى من بين السماوات السبع التي ورد ذكرها في الأيام الستة لخلق السماوات والأرض، وبين أنّ الرجعة تكون فيها، قال:

همچنین سید احمد الحسن (ع) روشن کردند که آسمان اول، از میان هفت آسمانی است که در خلقت شش‌روزه آسمان‌ها و زمین ذکر شده‌اند؛ و بیان کردند که رجعت در آن آسمان به وقوع می‌پیوندد. ایشان (ع) فرمودند:

[... ويجب ملاحظة أنّ السماء الأولى هي نهاية السماء الدنيا، أي أنّ السماء الدنيا تبدأ في هذا العالم الجسماني، وتنتهي في أول العالم الملكوتي الروحاني، أي إنّ نهايتها حلقة وصل، ونهايتها أو حلقة الوصل هي السماء الأولى، في الزيارة الجامعة: (.. وحجج الله على أهل الدنيا والآخرة والأولى ..) مفاتيح الجنان: ص ٦٢٠.

لازم است دقت شود که آسمان اول، پایان آسمان دنیاست؛ یعنی آسمان دنیا از این عالم جسمانی آغاز شده و تا ابتدای نخستین عالم ملکوتی روحانی ادامه خواهد داشت؛ به عبارتی دیگر، پایان آسمان دنیا، حلقه اتصال است و پایان آن یا همان حلقه اتصال، آسمان اول خواهد بود. در زیارت جامعه آمده است: «... و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت و اولی...» ([105])

وفي القرآن: (وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) القصص: ٧٠. وقال تعالى: (وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ) الواقعة: ٦٢.

و در قرآن آمده است: (اوست خدایی که معبودی جز او نیست. ستایش خاص اوست، چه در این جهان و چه در جهان دیگر و فرمان، فرمان اوست و همه شما به سوی او بازگردانده می‌شوید) [106]؛ و نیز حق تعالی می‌فرماید: (شما قطعاً از پیدایش نخست آگاه بودید؛ چرا به یادش نمی‌آورید؟)؛ [107].

وفي الأولى عالما: الذر والرجعة، وفيها الأنفس، فالله سبحانه وتعالى لم ينظر إلى عالم الأجسام منذ أن خلقه كما قال رسول الله، إنما محط الاهتمام يبدأ من نهاية عالم الأجسام، وهي نهاية السماء الدنيا، وهذه النهاية هي السماء الأولى. در اولی، دو عالم وجود دارد: ذر و رجعت (بازگشت) و در آن نفس‌ها قرار دارند؛ همان‌طور که پیامبر خدا (ص) فرموده است، خداوند سبحان و متعال از هنگامی که عالم اجسام را آفریده، به آن نظر نیفکنده است. قطعاً جایگاه اهمیت [خدای تعالی] از پایان عالم جسمانی یا همان پایان آسمان دنیا شروع می‌شود و [در واقع] این پایان، جایگاه آسمان اول است.

وقال تعالى: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ) المؤمنون: ١٧. السبع طرائق هي: (السموات السبع) من السماء الأولى إلى السماء السابعة، وليست السماء الدنيا الجسمانية منها؛ لأنها ليست فوقنا بل نحن فيها، فهي محيطة بنا وهي (تحتنا وفوقنا وعن كل جهات الأرض)، (يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ) العنكبوت: ٥٤، وسيتبين لك فيما يأتي لم أوردت هذه الآية في هذا الموضع.

حق تعالی می‌فرماید: (و بر فراز سرتان هفت راه بیافریدیم و از این خلقت، غافل نبوده‌ایم)؛ [108]. هفت راه، آسمان‌های هفتگانه است، از آسمان اول (آسمان اولی) تا آسمان هفتم و آسمان جسمانی دنیا جزو آن‌ها نیست؛ چرا که این آسمان

بالای سر ما قرار ندارد بلکه محیط بر ماست (و ما درون آن هستیم) و این آسمان «پایین ما، بالای ما و از تمامی جهات زمین» است. (آنان با عجله از تو عذاب می‌طلبند، حال آنکه جهنم بر کافران احاطه دارد)؛ [۱۰۹]. در بخش بعدی برای شما تبیین خواهد شد که چرا این آیه را اینجا آورده‌ام.

وهذا يعني أن السماوات إذا عُدَّت بهذا التفصيل تكون ثمانية، وليست سبعة، وإنما لم تُعد الدنيا الجسمانية؛ لأنها جزء من السماء الدنيا بما فيها من سماء أولى وسماء جسمانية، فإذا ذكرت الأولى أو الدنيا فهي من ضمنها؛ لأنها جزء منها أو تابعة لها.

این یعنی اینکه اگر آسمان‌ها به این تفصیل شمارش شود، هشت تا خواهد بود و نه هفت تا! اصولاً دنیای جسمانی جزو آن به حساب نمی‌آید؛ زیرا با آنچه در آن است، از آسمان اول و آسمان جسمانی، جزئی از آسمان دنیاست؛ بنابراین اگر اولی یا دنیا نام برده شود، در ضمن آن قرار می‌گیرد؛ چراکه جزئی از آن و پیرو و تابع آن است.

والسماء الجسمانية مرة تُعد هي (الأرض)، ومرة تُعد هي (السماء الدنيا)؛ لأنها الجانب المرئي منها. وفي السماء الجسمانية الأرض بل كل الأرضين السبع، وفي السابعة (جهنم)، كما أن الجنة في السماء الثانية، أما في الأولى فتوجد (الجنة الأرضية) وهي جنة آدم؛ لأن الأولى كما بينت إنما هي جزء من السماء الدنيا، وهي ملكوتها.

آسمان جسمانی یکبار «زمین» به شمار می‌رود و یکبار «آسمان دنیا»؛ زیرا قسمت مرئی آن است. در آسمان جسمانی، زمین و حتی تمام زمین‌های هفت‌گانه قرار دارد و در هفتمین زمین، «جهنم» قرار دارد؛ همان‌طور که بهشت در آسمان دوم است؛ اما در آسمان اول، «بهشت زمینی» یافت می‌شود که همان

بهشت آدم است؛ زیرا آسمان اول - همان طور که پیش تر بیان داشتیم - بخشی از آسمان دنیاست که ملکوت آن نیز می باشد.

عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن الحسين بن ميسر، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن جنة آدم (ع)، فقال: (جنة من جنان الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر ولو كانت من جنان الآخرة ما خرج منها أبداً) الكافي: ج ٣ ص ٢٤٧.

از علی بن ابراهیم از پدرش از احمد بن محمد بن ابونصر از حسین بن میسر روایت شده است: از اباعبدالله (ع) درباره بهشت آدم (ع) سؤال کردم، فرمود: «بهشتی از بهشت های دنیاست که در آن خورشید و ماه طلوع می کنند که اگر از بهشت های آخرت بود، به هیچ وجه از آن خارج نمی شدند».^[۱۱۰]

(وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا): والمصابيح هم الأنبياء والمرسلون والأوصياء يحفظون الذين يتبعونهم من وسوسة الشياطين بالتعاليم والأخلاق الإلهية التي يُعلمونها الناس. وظهورهم في السماء الجسمانية بالكواكب والشموس المضيئة، فما أكثر الظلام في السماء، وما أقل النجوم نسبة إلى الجزء المظلم، كما أن في الأرض ما أقل الأنبياء، وما أكثر من خالفهم وحاربهم وتخلف عنهم ولم ينصرهم. فقليل دائماً هم الأنبياء والأوصياء وأنصارهم، ك (قلة النجوم في السماء الجسمانية).

(و آسمان دنیا را با چراغها بیاراستیم و محفوظش بداشتیم): چراغها، انبیا، فرستادگان و اوصیا (ع) هستند که پیروانشان را با تعالیم و اخلاق الهی از وسوسه شیطان حفظ می کنند؛ و ظهور آنها در آسمان جسمانی، در قالب ستارگان و خورشیدهای درخشان می باشد. چه بسیار است تاریکی در آسمان و چه اندک است ستارگان در قیاس با بخش تاریک؛ به همین صورت است که در زمین چه اندک اند پیامبران و چه بسیارند کسانی که با آنها مخالفت ورزیدند، جنگیدند، از

آن‌ها روی گردان شدند و یاری‌شان نمودند؛ همواره پیامبران، اوصیا و انصار آن‌ها اندک‌اند، درست مانند کم بودن ستارگان در آسمان جسمانی.

وفي نهاية حركة الفلك الأعظم (أقصد قوس النزول)، وبداية صعوده إلى جهة الآخرة، سيبدأ هذا العالم الجسماني بالتحول إلى جحيم ويستعر، فالذين اختاروا زخرف الأرض عقوبتهم إعادتهم إلى ما اختاروه، وعصوا الله من أجله، أو قل إبقاؤهم فيه؛ لأنه سيكون جهنم المستعرة بأعمالهم وأفعالهم وظلمهم.

در نهایت حرکتِ فلکِ اعظم (منظورم قوس نزول است) و آغاز بالا رفتن آن به سمتی دیگر، تبدیل شدن این عالم جسمانی به جحیم آغاز خواهد شد و این عالم شعله‌ور می‌گردد. مجازات کسانی که زخرف و زر و زیور دنیا را برگزیدند و به خاطر آن، خداوند را عصیان نمودند، بازگشتشان به چیزی است که خود انتخاب کرده‌اند، یا همان باقی ماندن آن‌ها در آن می‌باشد؛ چراکه جهنم با عملکرد، کردار و ظلم و ستم آن‌ها مشتعل خواهد شد.

والآن تبين لك مناسبة الآية السابقة: (يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ).

اکنون مناسب است آیه پیشین برای شما روشن شده است: (آنان با عجله از تو عذاب می‌طلبند، حال آنکه جهنم بر کافران احاطه دارد)؛.

وعند بداية صعود (قوس النزول) يبدأ (عالم الرجعة)، وهو عالم آخر و امتحان آخر لمن محض الإيمان و لمن محض الكفر، و عالم الرجعة يبدأ مع نهاية ملك المهدي الثاني عشر (ع)، وهو القائم الذي يخرج عليه الحسين (ع) [... (111)].

در ابتدای صعودِ قوسِ نزول، «عالم رجعت» آغاز می‌شود که این، عالمی دیگر و امتحانی دیگر است، برای کسانی که ایمان خالص و کسانی که کفر خالص

داشته‌اند. عالم رجعت با پایان زمامداری مه‌دی دوازدهم (ع) آغاز می‌شود؛ او همان قائمی است که حسین (ع) بر او خروج می‌کند. [112]

ويقول السيد أحمد الحسن (ع) أيضاً:

و نیز سید احمد الحسن (ع) فرمودند:

[أرجو الانتباه إلى أنّ الرجعة تكون في السماء الدنيا؛ لأنّ السماء الدنيا تنقسم إلى السماء الجسمانية والسماء الأولى، والرجعة تكون في السماء الأولى، ذكرت هذه الملاحظة للتبنيّه؛ لأنّ بعض من يجهلون ربما يظنون أنّ السماء الدنيا هي فقط هذه السماء الجسمانية مع أنّ السماء الجسمانية هي فقط جزء من السماء الدنيا كما بيّنت سابقاً في الكتب وفقكم الله، بل وربما بعضهم يظنّ السماء الأولى هي السماء الجسمانية مع أنّها تختلف عنها رغم أنّهما يتشاركان في تكوين السماء الدنيا].

«امیدوارم توجه داشته باشی که رجعت در آسمان دنیاست؛ زیرا آسمان دنیا به دو آسمان جسمانی و آسمان اول تقسیم می‌شود و رجعت در آسمان اول تحقق می‌یابد. این ملاحظه را از باب تذکر و یادآوری بیان نمودم؛ زیرا چه بسا برخی از کسانی که علمی ندارند گمان می‌کنند که آسمان دنیا فقط همین آسمان جسمانی است؛ با وجود اینکه آسمان جسمانی تنها جزئی از آسمان دنیاست که پیش‌تر در کتاب‌ها بیان نمودم. خدا شما را توفیق دهد. و حتی چه بسا برخی گمان کنند که آسمان اول، همان آسمان اجسام یا آسمان جسمانی است، علی‌رغم اینکه با آن تفاوت دارد و هر دو در پیدایش آسمان دنیا با یکدیگر مشارکت دارند».

وإذا اتضح ذلك، نستطيع فهم معنى "الدنيا" التي تكون الرجعة فيها في الرواية التالية:

و اگر این مطلب واضح شده باشد، می‌توانیم معنا و مفهوم «دنیا» که رجعت در آن خواهد بود را در روایت بعدی دریابیم:

عن الامام الصادق (ع): (أول من تنشق الأرض عنه ويرجع إلى الدنيا الحسين بن علي عليهما السلام، وأن الرجعة ليست بعامة وهي خاصة، لا يرجع إلا من محض الايمان محضاً أو محض الشرك محضاً) [113].

از امام صادق (ع) روایت شده است: «نخستین کسی که زمین برایش شکافته می‌شود و به دنیا برمی‌گردد حسین بن علی (ع) است. رجعت همگانی نیست، بلکه (برای افرادی) خاص است و فقط کسانی به دنیا بازمی‌گردند که ایمان محض یا شرک محض داشته باشند» [114].

فليست الدنيا هنا هي العالم الجسماني أو سماؤه، وإنما هي السماء الأولى، وقد توضح وجه إطلاق الدنيا عليها.
پس دنیا در اینجا، عالم جسمانی یا آسمانش نیست، بلکه آسمان اول است و وجه اطلاق دنیا بر آن توضیح داده شد.

- [101] - انظر على سبيل المثال: كتاب المتشابهات: ج 4 سؤال رقم (175)، حول خلق السماوات والأرض.
- [102] - به عنوان مثال به کتاب متشابهات، جلد 4، پرسش 175 درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین، رجوع نمایید.
- [103] - کتاب مع العبد الصالح، أحد إصدارات أنصار الامام المهدي ع.
- [104] - کتاب همگام با بنده صالح، از انتشارات انصار امام مهدی ع.
- [105] - مفاتيح الجنان: ص 620.
- [106] - قصص: 70.
- [107] - واقعه: 62.
- [108] - مؤمنون: 17.
- [109] - عنكبوت: 54.
- [110] - کافی: ج 3، ص 247.

[111] المتشابهات: ج 4 سؤال رقم (175).

[112] - متشابهات: ج 4، پرسش 175.

[113] مختصر بصائر الدرجات: ص 24.

[114] - مختصر بصائر الدرجات: ص 24.